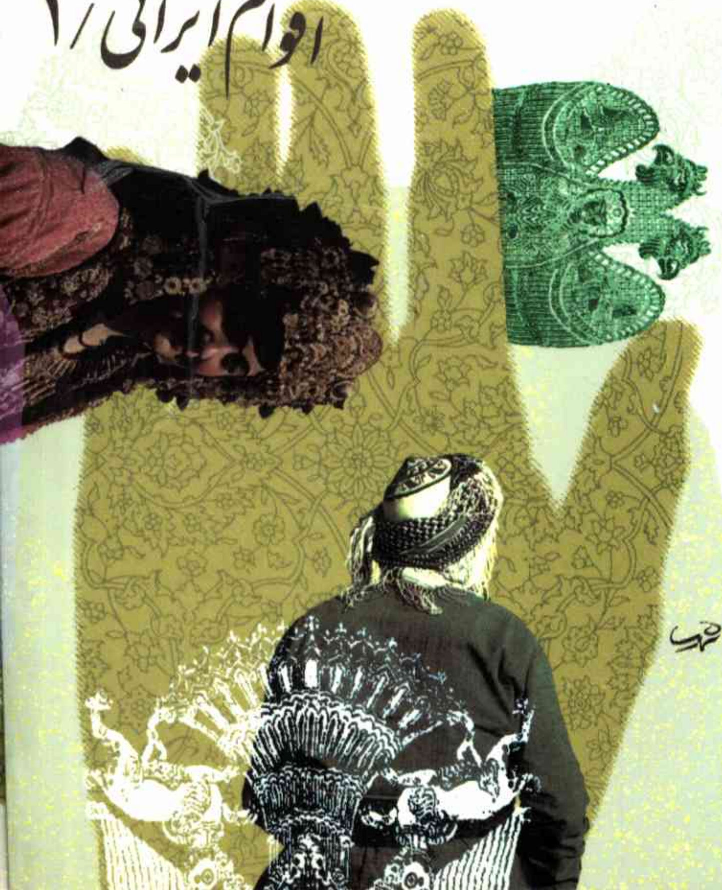
ایران ها

کُردها

اقوام ایرانی / ۱



هدف مجموعهٔ ایران ما شناساندن جلوه های فرهنگ و تمدن بالندهٔ ایران به جهانیان است. درتنظیم این مجموعه کوشش شده است با رعایت اختصارنویسی وارائهٔ داده های مستند و محض، خواننده در کمترین زمان ممکن با فرهنگ، تاریخ، جغرافیا و تمدن پویا و توانمند ایران آشنا شود. از طرفی دو زبانه بودن این مجموعه امکان استفادهٔ غیر فارسی زبانان را نیز فراهم می سازد.

این مجموعه زیرنظر معصومه ابراهیمی و پیمان متین درمرکز پژوهشهای فرهنگی انتشارات امیرکبیر تألیف، ترجمه و تدوین می‌گردد.



بسم الله الرحمن الرحيم

مرکز پژوهش‌های فرهنگی مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر

ایران ما

به سرپرستی

معصومه ابراهیمی ـ پیمان متین



مجموعۀ «ایران ما» مباحث زیر را در بر می‌گیرد:

- اقوام ایرانی
- شخصیت‌ها
- سلسله‌ها و دودمان‌ها
- جغرافیای طبیعی
- شهرها
- ابنیۀ تاریخی
- رویدادها
- میراث مکتوب
- جشن‌ها و سوگ‌ها
- زبان‌ها
- فرهنگ و هنر
- علوم
- ادیان و مذاهب
- نمایش و بازی‌ها

مجموعهٔ ایران ما

کردها

اقوام ایرانی / ۱



شرکت سهامی کتابهای جیبی

تهران : ۱۳۸۵

کردها / تألیف مرکز پژوهشهای فرهنگی موسسه انتشارات امیرکبیر، سرپرستی
پیمان متین و معصومه ابراهیمی . - تهران : امیرکبیر ، کتابهای جیبی ، ۱۳۸۵ .
58،۶۰ص . : مصور ، جدول . - (مجموعه ایران ما . اقوام ایرانی ، ۱)
ISBN 964 - 303 - 053 - 9
فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا .
ص . ع . به انگلیسی : The Kurds
فارسی انگلیسی .
کتابنامه : ص .[۵۷]. ۶۰ .
۱ . کردان -- ایران . ۲ . کردها - ایران - آداب ورسوم زندگی اجتماعی . الف .
متین ، پیمان ، ۱۳۴۶ - . ب . ابراهیمی ، معصومه ۱۳۵۶، - . ج . موسسه انتشارات
امیرکبیر .
DSR۷۲ / ۴ک ۴ ک ۹۵۵ / ۹۸۴
کتابخانه ملی ایران ۲۶۰۲ - ۸۵ م



شرکت سهامی کتابهای جیبی

باهمکاری مؤسسه انتشارات امیرکبیر

کردها – اقوام ایرانی / ۱ (از مجموعهٔ ایران ما)
تألیف : مرکز پژوهشهای فرهنگی مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر
به سرپرستی : پیمان متین و معصومه ابراهیمی
چاپ اول : ۱۳۸۵
چاپ و صحافی : چاپخانه سپهر ، تهران
شمارگان : ۲۰۰۰ نسخه

شابک ۹ - ۰۵۳ - ۳۰۳ - ۹۶۴ ISBN 964 - 303 - 053 - 9

مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر تهران ، میدان استقلال
WWW.AMIR-KABIR.COM

فهرست مطالب

مقدمه

کردها به عنوان یکی از اقوام بزرگ ایرانی امروزه در مناطقی به وسعت ۵۰۰,۰۰۰ کیلومتر مربع میان کشورهایی چون ایران، عراق، ترکیه، سوریه، ارمنستان و غیره پراکنده هستند.

استان کردستان ایران با مساحتی در حدود ۲۴,۹۹۸ کیلومتر مربع یکی از مناطق بزرگ کردنشین به شمار می‌رود. کردهای ایران به غیر از سکونت در استان کردستان در استان‌های آذربایجان غربی، کرمانشاه، خراسان و برخی استان‌های دیگر کشور پراکنده هستند.

با وجود اشتراکات فراوانی که گروه‌های کرد با فارس‌ها و دیگر اقوام ایرانی دارند، لکن ویژگی‌های زبانی و مذهبی آنها عاملی برای ظهور گرایش‌های مرکزگریز و استقلال طلبانهٔ کردها شده است.

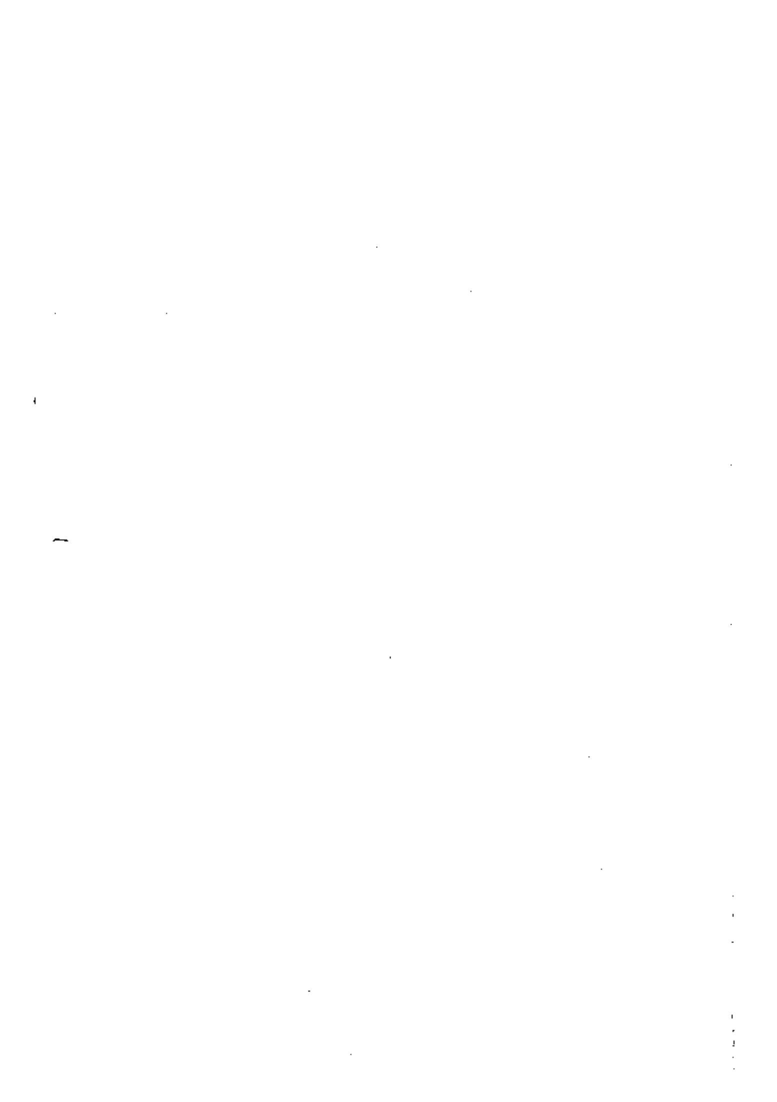
موقعیت استراتژیک کردستان و درگیری‌هایی متعدد و کشتار کردها در طول تاریخ توسط نیروهای داخلی و خارجی، روحیهٔ عدم اطاعت از حکومت مرکزی توسط کردها و تلاش برای کسب اقتدار محلی، تبعیض‌های مذهبی حاکمان از زمان پیدایش صفویه به کردها و... عواملی هستند که گرایش استقلال خواهی کردها را افزایش می‌دهد.

از این جهت تاریخ مردمان کرد، تاریخی تراژیک و غم‌انگیز است که برای دستیابی به آمال و اندیشه‌های ناسیونالیسم قومی و خلق هویت مستقل برای خود، همواره با خود یا حکومت‌های مسلط بر آنها در جنگ و کشمکش‌های خونین بوده‌اند. گاه نیز برای احراز هویت و موقعیت مستقل خود دست به دامان بیگانه و دشمن شده‌اند. از این‌رو وحدت قومی خود را از دست داده و به استضعاف کشیده شده‌اند.

فرهنگ و تاریخ اجتماعی کرد با مسائل تاریخی ـ سیاسی آنها در آمیخته است. زبان و مذهب به عنوان مقوله‌هایی فرهنگی، در نزد کردها به عنوان ابزاری سیاسی در دست نخبگان و نمایندگان جامعهٔ کرد قرار دارد.

در هرحال آگاهی از تاریخ و فرهنگ کردها، دست‌یابی به گنجینهٔ تاریخ و فرهنگ کهن ایرانی است. در این کتاب کوشش شده است

ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی ـ اجتماعی و مسائل سیاسی کردها به اختصار بیان شود.



فصل اول

معانی، اصل و نسب و خاستگاه

واژهٔ کـرد در فـرهنگ‌های فـارسی بـه مـعانی بیابانگرد، چوپان، گوسفندچران، چادرنشین و بدوی آمده است (برهان قاطع، ۲۹۳۸/۳؛ معین، ۱۶۱۵/۳). دربارهٔ اصل و منشاء کرد نظرهایی آمیخته با افسانه و اسطوره یا نظرهایی مأخوذ از داده‌های علوم باستان‌شناسی، زبان‌شناسی، انسان‌شناسی و... وجود دارد. در اینجا به برخی از مهمترین این نظرها اشاره می‌شود: برخی کرد را مأخوذ از واژهٔ گُرد فارسی و به معنای دلیر و پهلوان آورده‌اند (نیکیتین، ۶۵). بر اساس داستان‌های شاهنامه ۴۰۰ جوانی که از بیم کشته شدن از دست ضحاک

بیابان پناه برده بودند، کُرد (فراری و کوه‌نشین) نامیده شدند. این کوه‌نشینان را اصل و نسب کردها پنداشته‌اند (فردوسی، ۵۳/۱). بر این اساس حتی تا چند سدهٔ پیش در مناطق مختلف ایران روزی را که ایرانیان از ظلم و جور ضحاک رهیده بودند جشن می‌گرفتند. مثلاً جیمز موریه در حدود ۲۰۰ سال پیش به جشن «عید کُردی» که به یادبود رهایی قوم پارس از ستم ضحاک در دماوند بر پا می‌شد، اشاره می‌کند (موریه، 357؛ مینورسکی،494 /V). منابع تاریخی دورهٔ اسلامی نیز کردها را ایرانی الاصل پنداشته‌اند. مسعودی در التنبیه و الاشراف، کردها را از نسل یک ایرانی به نام «کرد بن اسفندیار بن منوچهر» دانسته‌است(ص، ۸۴). شرفنامه نیز، رستم پهلوان را برخاسته از طایفه کرد عنوان کرده است (بدلیسی، ۲۸؛ یاسمی، ۱۱۷). برخی کردها را از اعراب دانسته‌اند و ادعای خود را با روایت داستان‌هایی بر مبنای فقه‌اللغهٔ عامیانه، توجیه کرده‌اند (مسعودی، التنبیه، ۸۵؛ همو، مروج‌الذهب ۴۸۲/۱-۴۸۳). تقریباً همهٔ منابعی که به شناسایی تاریخ کهن کردها پرداخته‌اند به جهت اینکه کوهستان‌های زاگرس نخستین خاستگاه کردها بوده است به شرح و توصیف تاریخ حکومت‌های کهن و باستانی سده‌های مختلف پیش از میلاد مانند سومر، اکد، آشور، بابل،

کاسی، عیلامی و ماد پرداخته‌اند که مناطق مختلف و مردم بومی سرزمین‌های زاگرس را زیر سلطهٔ خود داشتند.

مثلاً در کتیبهٔ سومری که قدمتش به ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد از اقوامی به نام کَرْ ـ دَ ـ کَ یا قَرْ ـ دَ ـ کَ که در سرزمین‌های جنوب دریاچهٔ وان در ناحیهٔ بدلیس (بتلیس) زندگی می‌کردند، نام برده شده است. محققان این منطقه را خاستگاه نخستین کردها دانسته‌اند (مینورسکی، 447 /V). گزنفون نیز در ۴۰۱ ق م از مردمانی به نام کردوخی که محل سکونتشان کردستان عراق کنونی و منتهی‌الیه شمال رودخانه بُهتان بوده یاد کرده است (pp. 177-178,186). برخی کردها را اصلاً شاخه‌ای از مادها می‌دانند: استرابو از منطقه‌ای به نام کردوئن که اقوام کرتیاه (کرشیاه) در آن پراکنده بودند و علیه رومی‌ها جنگ کردند، نام برده است (VIII/ 231). بسیاری کردوئن را کردستان و سرزمین نخستین کردها و کرتیاه‌ها را که شاخه‌ای از مادها بودند منشاء نژاد کرد دانسته‌اند.

برخی دیگر براساس مطالعات زبان شناختی واژهٔ «کردو» را همان «کرت و لی» (نام محل) گرجی دانسته‌اند و کردها را اصلاً گرجی عنوان کرده‌اند (لمبرت، ۹۹). نظر دیگری که دربارهٔ اصل و منشاء کردها وجود

دارد این است که محققانی مانند سون[1]، فون لوشان[2] و آلن[3]، کردها را اصلاً از نژاد ژرمن و وایکینگ‌ها دانسته و خاستگاه اولیه‌شان را مناطق اطراف دریاچهٔ بالتیک عنوان کرده‌اند (نیکیتین، ۷۰-۷۱؛ تابانی، ۵۸-۵۹). علت چنین نتیجه‌گیری در شکل ظاهر و اندام برخی مردم کرد است که موهایی با رنگ روشن و چشمان آبی شبیه اروپائیان دارند. محققان کرد مانند تابانی با استناد به برخی واقعیت‌های تاریخی و زبان‌شناسی در رد این نظر کوشیده‌اند (تابانی، ۵۸-۶۴).

دیدگاه‌های متفاوت دیگری در این مورد نیز وجود دارد که ذکر همهٔ آنها موجب پیچیدگی و آشفتگی موضوع می‌شود. بنابراین بهتر است با نظر رشید یاسمی که غالباً نظر دیگران را رد کرده است و خود دربارهٔ اصل و نسب کردها مبحث جدیدی مطرح کرده، این فصل را به پایان برسانیم. به نظر یاسمی، در زمان‌های کهن در جزیرهٔ «ابن عمر» کنونی منطقه‌ای به نام «قِردو» وجود داشته است، که طوایف ماد و پارس به این منطقه مهاجرت و آنجا را تصرف می‌کنند. بومیان آن منطقه زیر نفوذ

---

1. Soane.
2. Von luchan.
3. Allen.

آنها قرار می‌گیرند و طوایف ماد و پارس با بومیان در می‌آمیزند و به نام آن محل قِردو (کردو) یا کُرد نامیده می‌شوند (یاسمی، ۹۴-۹۵).

فصل دوم

دورهٔ اسلامی

منابع تاریخی ـ اسلامی غالباً کرد را به صورت اسم جمع (الاکراد) به کار برده‌اند. اعراب در ۱۶ ق /۶۳۷ م با فتح تکریت و حلوان به سرزمین کردها راه یافتند. سعدبن ابی‌وقاص از نخستین سردارانی بود که برای تصرف موصل مناطق کردنشین را نیز فتح کرد. بدین‌سان تا سال‌ها میان کردهای فارس، شوش، اهواز، شهرزور و اعراب جنگ و درگیری‌های خونینی رخ داد (مسعودی، مروج‌الذهب، ۳ /۲۴۹؛ ابن‌اثیر، ۲ /۴۰۸،۴۰/ ۳۸۷، ۳۴۱؛ بلاذری، ۱۷۶، ۲۸۲، ۳۸۹). کردها در سال‌های نخست فتوحات اسلامی بارها با برپایی شورش خواهان تشکیل حکومت

مستقلی بودند؛ لکن غالباً شکست می‌خوردند. مثلاً در ۱۴۷ ق /۷۶۴ م زمان حکومت منصور، خلیفهٔ عباسی، کردها شورش موصل را بر پا کردند. در ۲۲۵ ق /۸۳۹ م در زمان حکومت المعتصم نیز فهرجیسِ کُرد به همراه سپاهی از کردان علیه خلیفه شورید و سپاهیان خلیفه را شکست داد. اما نهایتاً توسط سرداری ترک سرکوب شد (همو، ۶ /۳۶۰-۳۶۱).

کردها در قیام صاحب‌الزنج که در ۲۶۲ ق /۸۷۵ م رخ داد نیز شرکت داشتند. کردها با یاری رساندن به یعقوب لیث صفاری وی را در لشکرکشی به بغداد پشتیبانی کردند (ابن‌اثیر، ۷ /۲۶۴). آنها در ۳۴۸ ق /۹۵۹ م به سرکردگی حسنویه بن حسین در نواحی دینور، همدان و نهاوند قیام کردند و به یاری آل‌بویه در سرماجِ بیستون حکومتی به نام «کردان حسنویه» بنا نهادند و قلمرو خود را تا اهواز گسترش دادند. سرانجام با کشته شدن بدر بن حسنویه، آخرین فرمانروای حسنویه در ۴۰۵ ق /۱۰۱۴ م این حکومت رو به ضعف نهاد و از میان رفت (ابن‌اثیر، ۶/ ۲۳۴).

در زمان هجوم غزها به ایران، کردها برای دفاع از سرزمین‌های خود به یاری حکومت‌های ایرانی شتافتند و علیه غزها جنگیدند. در

۴۲۹ ق /۱۰۳۷ م، غزها قصد حمله به آذربایجان را داشتند، از این‌رو کردها به یاری وهسودان ،فرمانروای آذربایجان، علیه غزها جنگیدند و آنها را فراری دادند (ابن‌اثیر، ۹ /۲۷۰-۲۷۲).

در زمان سلجوقیان همهٔ سرزمین‌های کردنشین جزء قلمرو سلجوقیان شد. تمام امارت‌های کرد که در دوره‌های پیشین استقلالی داشتند از میان رفتند. همچنین در زمان حکومت سلطان سنجر سلجوقی استان کردستان به مرکزیت بهار به رسمیت شناخته شد (ابن‌اثیر، ۱۰ /۳۷۴، ۳۷۷، ۴۲۶؛ مینورسکی، 454 /V).

صلاح‌الدین ایوبی مؤسس سلسلهٔ ایوبیان اصلاً از طایفهٔ روادی (از کردهای هذبانی) بود. وی در ۵۸۵ ق /۱۱۸۹ م از طریق خیلاط کردستان را تصرف کرد. در این دوره صاحب منصبان کرد در امور حکومت دخالت داده شدند (بدلیسی، ۸۳؛ ابن‌اثیر، ۱۲ /۴۰).

در زمان حکومت خوارزمشاهیان، کردستان و مناطق اطراف آن عرصهٔ جنگ و تاخت و تاز مغول‌ها و خوارزمشاهیان بود. از این‌رو در جنگ‌ها و درگیری‌های متعدد این دوره کردهای زیادی جان خویش را از دست دادند. مناطق اربیل، شهرزور و دیار بکر در سال‌های مختلف لشکرکشی خوارزمشاهیان و مغول‌ها ویران شدند(ابن‌اثیر، ۲۰۷/۷، ۳۰۸).

در زمان ایلخانان اوضاع کردستان نابسامان و آشفته شد. کردها به هیچ رو از ایلخانان پیروی نمی‌کردند به همین جهت شمار زیادی از آنها در زمان حکومت هلاکو ایلخانی در ۶۵۷ ق/۱۲۵۸ م در ناحیهٔ هکاری کشته شدند (رشیدالدین، ۲ /۱۰۲۶).

پس از فروپاشی ایلخانان، کردستان و عراق عجم زیر سلطهٔ مغول‌ها و جلایر بایزید قرار گرفت. پس از حکومت مغول‌ها، کردها زمانی به یاری قراقویونلوها شتافتند و پس از آنها توسط آق‌قویونلوها اداره شدند. در زمان حکومت آق‌قویونلوها شمار زیادی از کردها به جهت همبستگی با قراقویونلوها قلع و قمع یا به نواحی مختلف کوچانده شدند (بدلیسی، ۱۲۹-۱۳۱؛ مینورسکی، V/ 457).

در زمان حکومت صفویان، کردستان تا ۳ قرن عرصهٔ تاخت و تاز و جنگ سلاطین عثمانی و پادشاهان صفوی بود. همین امر سبب شد نقش کردها و کردستان در منطقه به لحاظ سیاسی اهمیت ویژه‌ای بیابد (مینورسکی، همانجا).

کردها نادرشاه افشار را برای جنگ با عثمانی‌ها یاری رساندند. برخی از کردها که از فرمان نادر سر تافته بودند، مانند کردهای چَمُشگَزَکْ (بعدها به زعفرانلو معروف شدند) به خراسان کوچانده

شدند (مینورسکی، V/ 461).

زند را یکی از طوایف اصلی کرد به شمار آورده‌اند. کریم‌خان زند مؤسس سلسلهٔ زندیه با پشتیبانی چند طایفهٔ کرد حکومت زندیه را تأسیس کرد. در زمان کریم‌خان زند چند طایفهٔ کرد به شیراز مهاجرت کردند (بدلیسی، ۴۲۳-۴۲۴؛ مینورسکی، همانجا؛ امین زکی، ۳۹۳).

طبق معاهدهٔ ۱۲۶۳ق/ ۱۸۴۷م موسوم به ارزروم در دورهٔ قاجار، زهاب کردستان به دو قسمت ایرانی و عثمانی تقسیم شد و سلیمانیه به ترکها رسید (اعتمادالسلطنه، ۳ /۱۶۷۲-۱۶۷۳). پس از این معاهده قیام‌های متعددی در نواحی کردستان به‌وقوع پیوست که از طریق نیروهای حکومتی ایران و عثمانی سرکوب شدند (همانجا).

فصل سوم

دوران معاصر

با آغاز قرن بیستم بحث تحدید مرزها بین دولت‌های ترکیه، عراق و ایران مطرح شد. در ۱۳۰۴ ش /۱۹۲۵ م موصل به عراق واگذار شد و طی کنفرانس سِوْر[1] و لوزان، صاحب منصبان کرد متصدی مقام‌های فرمانداری و ریاست دادگستری شدند. زبان کردی نیز زبان رسمی تمام ادارات مناطق کردنشین شد.

با آغاز حکومت پهلوی وضعیت کردها نابسامان‌تر و پیچیده‌تر شد.

---

1. Sevr

در دوره‌های قبل کردها غالباً زیر سلطهٔ دولت‌های عثمانی و ایران بودند اما به جهت جدایی کشورهای سوریه، لبنان، فلسطین، اردن و عراق و برچیده شدن نظام سلطنتی در امپراتوری عثمانی، انقراض سلسلهٔ قاجار و آغاز سلطنت رضا شاه و غیره، کردها در سرزمین‌هایی قطعه قطعه شده، زیر سلطهٔ چندین دولت کوچک و بزرگ قرار گرفتند. در این اوضاع بسیاری از کردها که حقوق خود را از دست رفته می‌دیدند با برپایی جنبش‌های سیاسی کوشش کردند دولتی مستقل به‌وجود آورند. مانند گذشته اکثر این جنبش‌ها توسط نیروهای دولت مرکزی سرکوب شد. در ۱۳۰۶ ش /۱۹۲۷ م، اتحادیهٔ ملی کرد (خوی بون = استقلال) به فرماندهی احسان نوری پاشا تأسیس شد. این اتحادیه در ۱۳۰۹ ش /۱۹۳۰ م با سپاهی که از طوایف کرد فراهم آمده بود علیه ترک‌ها جنگید که سرانجام توسط ارتش مجهز ترک‌ها شکست خورد. (مینورسکی، 464 /V)

در آغاز قرن بیستم کردها نیز چون سایر گروه‌های خاورمیانه تحت تأثیر اندیشهٔ «ناسیونالیسم سرزمینی» قرار گرفتند؛ یعنی با تضعیف هویت‌های مذهبی جهان شمول، به ویژه در امپراتوری عثمانی، مفهوم اروپایی هویت ملی متکی بر نژاد و زبان نزد نخبگان تحصیل کردهٔ

جدید، جاذبهٔ بسیار پیدا کرد (احمدی، ۳۳۹). گسترش ناسیونالیسم لیبرال و غیر مذهبی در میان گروه‌های قومی خاورمیانه مانند عرب‌ها و ارمنی‌ها و ترک‌ها، کردها را نیز بر آن داشت تا علایق زبانی خود را به مثابهٔ یک امر سیاسی تلقی کنند و کرد را ملتی متمایز بپندارند. از این‌رو در آغاز این سده بسیاری از رؤسای طوایف کرد مانند شیخ عبیدالله، عبدالرزاق بدرخان و شیخ‌محمود برزنجی و اسماعیل‌آقا سیمکو با برقراری ارتباط با دولت‌های اروپایی (انگلستان، روسیه) سعی داشتند با جلب حمایت آنها، به یک دولت مستقل کرد دست یابند. دولت‌های اروپایی نیز بیش از آنکه به مسئلهٔ ملی کرد علاقه داشته باشند برای رسیدن به منافع خود از این رؤسای برجستهٔ کرد حمایت می‌کردند. مهمترین حمایت کشورهای اروپایی از جنبش‌های استقلال خواهی کرد را در جنبش ۱۳۲۵ ش /۱۹۴۶ م کردستان می‌توان مشاهده کرد. اتحاد شوروی به جز القای اندیشهٔ استقلال و خودمختاری که از سوی شوروی توصیه شده بود، به کردها کمک کردند تا تشکیلات سازمان سیاسی ـ قومی خود را برپا کنند و نهایتاً در بهمن ۱۳۲۵ ش /۱۹۴۶ م جمهوری خودمختار کرد به رهبری قاضی محمد در مهاباد تشکیل شد که با تأسیس جمهوری خودمختار آذربایجان به رهبری پیشه‌وری

همزمان بود. این جمهوری‌های خودمختار از حمایت دولت شوروی برخوردار بودند (احمدی، ۳۱۲-۳۱۳). دولت ایران توانست با امضای توافق‌نامه‌ای بین ایران و شوروی که با تأسیس شرکت استخراج نفت منافع شوروی‌ها را تأمین می‌کرد، حمایت آنها را از جمهوری مهاباد سلب کند. بدین ترتیب نیروهای شوروی از ایران خارج شدند و دولت کرد مهاباد سقوط کرد (ایگلتون).

پس از سقوط دولت کرد مهاباد تا وقوع انقلاب اسلامی، کردستان از آرامش نسبی برخوردار بود. از ۱۳۵۷ ش /۱۹۷۸ م به بعد احزابی مانند حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی و اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی علیه دولت بغداد و حزب دموکرات کردستان ایران و کومه‌له (کومله) فعالیت‌های خود را در جهت ایجاد دولت مستقل از سر گرفتند. احزاب دموکرات کردستان ایران و کومله با قرار دادن پایگاه‌های خود در عراق و با گرفتن نیرو و کمک نظامی از بغداد علیه ایران می‌جنگیدند. ایران نیز با حمایت از اتحادیهٔ میهنی کردستان و حزب دموکرات کردستان عراق موجب درگیری بین نیروهای کرد با یکدیگر شد و سراسر کردستان عرصهٔ جنگ و درگیری میان ایران و عراق و احزاب کرد موافق و مخالف آنها

شد. در دههٔ ۱۹۸۰ م و در پایان جنگ ایران و عراق دولت عراق برای سرکوب کردهای روستایی خاک خود از گاز شیمیایی استفاده کرد که هزاران کرد در این حادثه جان باختند. این حادثه یکی از تراژدی‌های تاریخ بشر محسوب می‌شود. پس از جنگ ایران و عراق و حوادث سیاسی خلیج فارس، این‌بار آمریکا وارد مسائل منطقهٔ خاورمیانه شد و با توصیهٔ اندیشهٔ ایجاد منطقهٔ امن و مستقل برای کردها که عراق حق پرواز در فضای آن را نداشته باشد، کردها را یکبار دیگر قربانی سیاست‌های بین‌المللی کرد. ارتش ترکیه در ۱۳۷۶ ش /۱۹۹۷ م به کردهای خاک خود حمله و آنها را سرکوب کرد. در سال‌های ۱۳۷۶-۷۷ ش /۱۹۹۷-۹۸ م اختلافات آمریکا و عراق به اوج خود رسید. دولت عراق سرراه فعالیت‌های کمیتهٔ نظارت سازمان ملل بر خلع سلاح عراق کار شکنی کرد. دولت آمریکا نیز با جلب حمایت انگلستان درصدد از میان برداشتن رژیم صدام حسین برآمد. از این‌رو دولت آمریکا با اجرای قانون آزاد سازی عراق که در اکتبر ۱۳۷۷ ش /۱۹۹۸ م به تصویب سنای آمریکا رسید، کمک‌های مالی و نظامی فراوانی در اختیار احزاب مخالف دولت عراق قرار داد. رهبران دو گروه کرد عراقی یعنی اتحادیه میهنی کردستان و حزب دموکرات کردستان عراق به آمریکا دعوت

شدند و برای ادارهٔ شمال عراق به دست کردها با آمریکا به توافق رسیدند (احمدی، ۳۰۸-۳۱۷).

نهایتاً در آوریل ۲۰۰۳ نیروهای آمریکایی بغداد را محاصره کردند و صدام حسین شکست خورد. پس از آن نیروهای مبارز کرد به همراه آمریکایی‌ها کنترل شهرهای شمالی عراق یعنی کرکوک و موصل را به عهده گرفتند. در ژوئیه ۲۰۰۳ م شورای حکومت موقت عراق تشکیل شد. در این شورا رهبران احزاب کرد نیز حضور داشتند. سرانجام پس از انتخابات ملی عراق در ژانویه ۲۰۰۵ م، احزاب متحد کرد مجموعاً ۷۷ نمایندهٔ خود را به مجلس دولت جدید عراق فرستادند. در آوریل ۲۰۰۵م رهبر اتحادیه میهنی کردستان یعنی جلال طالبانی به عنوان رئیس جمهور دولت عراق توسط نمایندگان انتخاب شد. مسعود بارزانی رهبر حزب دموکرات کردستان نیز به عنوان رئیس دولت خودمختار کرد تعیین شد.

برای نخستین بار تاریخ پرفراز و نشیب کردها شاهد اتحاد و یکپارچگی اقوام کرد است. رهبری یک کرد بر یک کشور عرب مسلمان و تشکیل منطقهٔ خود مختار کرد، تحقق یافتن بخشی از آمال و اندیشهٔ استقلال خواهی کردها از زمان پیدایش آنها تا به امروز است.

فصل چهارم

زبان

کردی از زبان‌های ایرانی گروه شمال غرب یا جنوب غربی است. کردی گویش‌های متعددی دارد که همه از یک ریشه بوده اما ویژگی‌های خاصی نیز دارند که آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند و از این‌رو برخی کردی را مجموعهٔ گویش‌های کردی دانسته‌اند تا یک زبان واحد. گویش‌های کردی را به سه گروه تقسیم می‌کنند: گویش‌های شمال که به کرمانجی معروف است و شامل گویش‌های کردهای ترکیه، ارمنستان، آذربایجان، موصلِ عراق، کردهای شمال خراسان و ترکمنستان می‌شود.

همهٔ کسانی‌که به این گویش صحبت می‌کنند، کرمانج نامیده می‌شوند. گروه دوم، گویش کردستان مرکزی موسوم به «کردی» یا «سورانی» است. کردهای نواحی اربیل، سلیمانیه، کرکوک عراق و کردهای مهاباد و سنندج با این گویش صحبت می‌کنند. گروه سوم، گویش‌های لکی، کرمانشاهی و... است. علاوه بر این تقسیم‌بندی دو گویش زازا و گورانی نیز از گویش‌های مهم کردی به شمار می‌آید که طوایف بزرگ شمال غرب کردستان و هورامانی‌ها و مناطقی از غرب کرمانشاه بدان تکلم می‌کنند (برویین سن، ۳۶ـ ۳۷).

فصل پنجم

مذهب

کردها نیز مانند دیگر ایرانیان قبل از اسلام پیرو آیین زردشت بودند (بارتولد، ۲۱۶). حتی در برخی منابع گروش همهٔ کردها به اسلام را در حدود سده‌های ۸ و ۹ ق ذکر کرده‌اند (مردوخ، ۱ /۲۲۳). پس از ظهور اسلام کردها نهایتاً مسلمان و سنی شافعی مذهب شدند. به غیر از اسلام بسیاری از کردها به برخی طریقت‌ها نیز معتقدند. طریقت‌های صوفیگری در کردستان پیروان فراوانی دارد. اکثر این طریقت‌ها بر اصول عامه‌پسند بنا شده است و پیروانی از گروه‌های صنعتگر، کشاورز، بی‌سواد و روستایی دارد. رهبران این طریقت‌ها «شیخ» یا «پیر»

نامیده می‌شوند که معمولاً معجزات و کراماتی نیز به آنها نسبت می‌دهند. جایی که شیوخ و پیرها به پیروان خود تعالیم طریقت را می‌آموزند تکیه یا خانقاه نام دارد. برخی رواج طریقت‌های صوفیگری در کردستان را از قرن ۶ ق به بعد دانسته‌اند.

طریقت قادریه به شیخ عبدالقادر گیلانی (۱۰۷۸ـ۱۱۶۶ ق /۱۶۶۷ـ۱۷۰۴ م) و طریقهٔ نقشبندیه به بهاءالدین بخارا (۱۳۱۷ـ۱۳۸۹ق / ۱۸۹۹ـ۱۹۶۹ م) منسوب است. مریدان طریقهٔ قادریه را درویش و پیروان طریقهٔ نقشبندیه را صوفی می‌گویند (ادموندز، ۷۶).

در جنوب و جنوب شرقی سرزمین کردستان در نواحی کرمانشاه، صحنه، کرند و مناطق جنوب کرکوک در عراق، کردها پیرو فرقهٔ «اهل حق»هستند. پیروان اهل حق را در عراق «کاکه‌ای» می‌نامند. یزیدی‌ها نیز یکی دیگر از فرقه‌های مذهبی کردستان به شمار می‌رود. کردهای یزیدی اکثراً در عراق و منطقهٔ جبل سنجار، جنوب غربی موصل و منطقهٔ شیخان زندگی می‌کنند (بروین سن،۳۹ ـ ۴۰). جمعیت پیروان فرقهٔ یزیدی را حدود ۲۰۰ هزار تا ۱ میلیون نفر گزارش کرده‌اند (مینورسکی، XI/ 313). برخی از کردها نیز یهودی، ارمنی و آسوری هستند.

فصل ششم

پراکندگی و تقسیم‌بندی قومی

کردها بین چندین کشور مانند ایران، ترکیه، عراق، ارمنستان، سوریه، اردن، لبنان و... پراکنده هستند. کردهای ایران اکثراً در مناطق غرب کشور و در استان‌های کردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه و نیز خراسان در شرق ایران سکونت دارند. کردهای خراسان در نواحی مرز ایران و افغانستان به سر می‌برند. آنها به تدریج از زمان حکومت صفویه از کردستان به این نواحی کوچانده شدند (بدلیسی، ۴۲۴ ـ ۴۲۶، ۵۳۳). در زمان حکومت نادرشاه افشار نیز گروه‌های زیادی از کردها برای دفاع از سرحدات ایران در مقابل هجوم ترکمانان به این نواحی گسیل شدند.

کردهای ایران به گروه‌ها و شاخه‌های متعددی تقسیم می‌شوند. قدیمی‌ترین منبعی که به تقسیم‌بندی آنها اشاره کرده است شرفنامهٔ بدلیسی است که در واقع یکی از مراجع مهم کردشناسی است. شرفنامه کردها را به چهار شاخهٔ بزرگ کرمانج، لر، کلهر و گوران تقسیم می‌کند. سرزمین این گروه‌ها نواحی دریاچهٔ وان، ولایت اردلان، شمال غربی و جنوبی کرمانشاه را شامل می‌شود (بدلیسی، ۲۳ ـ ۲۴). سون نیز کردها را به گروه‌های عشایر کردستان مرکزی یا ترکیه (شامل هکاری و بتلیس / بدلیس و عشایر کرد ارمنستان)، عشایر کردستان جنوبی یا عراق (شامل بابان و همه‌وند) و عشایر کردستان ایران (شامل مُکری، بنی‌اردلان، جاف و کلهر) تقسیم می‌کند. هر کدام از این گروه‌ها به شاخه‌ها و طوایف متعددی تقسیم می‌شوند که نهایتاً قوم کرد را تشکیل می‌دهند (نیکیتین به نقل از سون، ۳۴۴ ـ ۳۷۷). اوضاع و احوال محیط کردستان، شرایط را برای تشکیل و رشد گروه‌های به هم پیوستهٔ مردم کرد فراهم می‌کند. برخی پژوهشگران کردشناس، عشایر کرد را اجتماعاتی از افراد متحد در برابر تجاوز دیگران و حافظ آیین و سنت‌های قومی و نژادی و راه رسم زندگی عشیره‌ای دانسته‌اند. امین زکی در کرد و کردستان فهرستی از ایلات و طوایف کرد ساکن استان‌های

استان‌های سلیمانیه، کرکوک، دیاله، موصل، خانقین، نواحی اطراف دجله و فرات و کردهای ساکن ترکیه (عثمانی) و روسیه و ساحل شمالی دریاچهٔ وان و نواحی مختلف ایران آورده است. جدول شمارهٔ ۱ـ۷ کردهای پراکنده در نواحی مختلف ایران را نشان می‌دهد (زکی، ۳۸۴ـ۳۹۶).

جدول ۱ـ عشایر کرد پراکنده در سنه(سنندج)، استان کردستان

کومالی
جاف
مندمی
گلباخی (گلباغی)
شیخ اسماعیلی
پیرپیشه
تامازتوزا
کوراکا
لالا
محمود جبرئیلی
بالی‌وند
دراج
بوراکا
ساکور
لوری کلاه‌کر

گیوگاش
خەررات

جدول ۲ـ عشایر کرد پراکنده در مناطق مُکری و ساوجبلاغ (مهاباد)، استان کردستان

مکری و بولاق
مکری سیار
بلباس
منگور
پیران
اوجاغی کاخدری
گەورک
سوسەنی
بانه

جدول ۳ـ عشایر کرد پراکنده در استان کرماشان (کرمانشاه)

سنجابی
گوران
یوسف یاراحمدی
کویک
باپراوند
کیایی (کولیایی)
احمدەوند

جدول ۴ـ عشایر کرد استان آذربایجان غربی

جلالی
میلان
خضرانلو
رشەوند
سلدوز

لک
کرداوری

جدول ۵- عشایر کرد پراکنده در استان لرستان

(لک‌ها)

سلسله
دلفان
باجلان
زند
مافی
طرحان امرائی
دالوند

جدول ۶ـ عشایر کرد پراکنده در استان‌های مازندران و گیلان

عمرلو
قبه‌قرانلو
شمکانلو
بهادرلو
شاه کولانلو
به شانلو
مردانلو

جدول ۷ـ عشایر کرد پراکنده در استان خراسان

شادلو (شادیلو)
زفرانلو (زعفرانلو)
عمرلو

عشایر تشکیل‌دهندهٔ جامعهٔ کرد به صورت‌های روستانشینی، کوچنده، رمه‌گران و شهرنشین در سرزمین کردستان زندگی می‌کنند. بسیاری از عشایر کرد در گذشته کوچنده بودند و بین مناطق سردسیر و

گرمسیر کردستان کوچ می‌کردند. کوچندگان کرد نیز مانند دیگر ایلات و طوایف کوچندهٔ ایران از آغاز سدهٔ بیستم به بعد به تدریج یکجانشین شده‌اند و در روستاهای سرزمین کردستان سکنی گزیده‌اند. امروزه گروه‌هایی از کردهای کوچنده برای چرای دام‌هایشان ییلاق و قشلاق می‌کنند. جداول شمارهٔ ۸ و ۹ فهرستی از مهمترین ایلات و طوایف کوچندهٔ کرد استان‌های مختلف کشور را در ۱۳۷۷ ش/ ۱۹۹۸ م نشان می‌دهد (اطلاعات جدول از: سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچندهٔ ۱۳۷۷، نتایج تفصیلی).

جدول شمارهٔ ۸ـ مهمترین ایلات کرد کوچندهٔ استان‌های مختلف کشور در ۱۳۷۷ ش

نام ایل	استان محل ییلاق و قشلاق	شمار خانوار	نفر
ایوان	ایلام ـ کرمانشاه	۷۸۸	۶۰۴۶
بالاوند زردلان	کرمانشاه ـ ایلام	۴۹۲	۳۴۴۰
بان‌زرده	کرمانشاه ـ کرمانشاه	۲۳۳	۱۶۷۱
پیران	آذربایجان غربی ـ آذربایجان غربی	۹۵	۹۶۴
ثلاث‌باباجانی	کرمانشاه ـ کرمانشاه	۸۵۵	۶۱۰۱
جاف	کرمانشاه ـ کرمانشاه	۱۳۲۳	۷۶۵۵
جلالی	آذربایجان غربی ـ آذربایجان غربی	۲۶۸۵	۱۹۳۱۴
جمهور	کرمانشاه ـ همدان ـ ایلام	۱۵۲	۹۱۲
زرزا	آذربایجان غربی ـ آذربایجان غربی	۳۳۵	۲۹۵۶

نام ایل	استان محل ییلاق و قشلاق	شمار خانوار	نفر
زعفرانلو	آذربایجان غربی - آذربایجان غربی	۲۴۴	۲۰۷۴
زنگنه	کرمانشاه ـ ایلام	۵۴۷	۳۸۱۶
سنجابی	کرمانشاه ـ ایلام	۷۶۷	۵۰۳۲
شکاک	آذربایجان غربی - آذربایجان غربی	۸۱۶	۶۲۳۰
شوهان	ایلام ـ ایلام	۳۴۷	۲۵۸۹
کرد ـ دره‌شهر	ایلام ـ ایلام	۲۰۶۵	۱۶۰۴۳
کرد ـ همدان	مرکزی ـ قم ـ همدان	۹۹	۶۶۱
کرند	کرمانشاه ـ کرمانشاه	۳۸۷	۲۵۱۶
کلهر	کرمانشاه ـ ایلام	۲۷۰۶	۱۸۰۹۹
گوران	کرمانشاه ـ کرمانشاه	۹۷۷	۶۷۰۹
مامش	آذربایجان غربی - آذربایجان غربی	۷۸۳	۶۷۵۷

نام ایل	استان محل ییلاق و قشلاق	شمار خانوار	نفر
ملکشاهی	ایلام ـ ایلام	۱۰۴۶	۷۵۵۳
منگور	آذربایجان غربی ـ آذربایجان غربی	۲۹	۲۲۵
میلان	آذربایجان غربی ـ آذربایجان غربی	۲۰۷۹	۱۴۸۸۰
هرکی	آذربایجان غربی ـ آذربایجان غربی	۱۷۷۲	۱۶۶۴۴

جدول ۹ـ مهمترین طوایف کرد کوچندهٔ استان‌های مختلف کشور در ۱۳۷۷ ش

نام طایفه	استان محل ییلاق و قشلاق	شمار خانوار	نفر
اسلامیه شاهبوند	ایلام ـ ایلام	۱۶	۱۳۴
ایزانلو	خراسان ـ گلستان	۸۸	۵۲۶
باچوانلو ـ باچکانلو	خراسان گلستان	۳۴۸	۲۰۶۶

نام طایفه	استان محل ییلاق و قشلاق	شمار خانوار	نفر
بادلانلو	خراسان ـ خراسان	۵۴	۳۱۷
بالکانلو	آذربایجان غربی ـ آذربایجان غربی	۱۸۳	۱۲۲۰
بروانلو	خراسان ـ خراسان	۳۲۳	۱۹۴۶
بریمانلو	خراسان ـ گلستان	۶۲	۴۰۴
بیچرانلو	خراسان ـ گلستان	۲۵۹	۱۸۵۸
پهلوانلو	خراسان ـ گلستان	۱۲۲	۷۸۶
توپکانلو	خراسان ـ گلستان	۷۷۳	۴۵۱۱
جافکانلو	خراسان ـ خراسان	۲	۱۸
دهبکری	آذربایجان غربی ـ آذربایجان غربی	۸۲	۷۱۴
دیرانلو	خراسان ـ خراسان	۸۷	۵۵۳
رشوانلو	خراسان ـ خراسان	۱۴۲	۸۹۳
زنگنه	ایلام ـ ایلام	۱۹	۱۴۲
سیفکانلو	خراسان ـ گلستان	۲۱۴	۱۲۸۶

نام طایفه	استان محل ییلاق و قشلاق	شمار خانوار	نفر
شیخ امیرانلو	خراسان ـ گلستان	۲	۱۰
عالی بیگی	ایلام ـ ایلام	۴۸	۳۹۴
عثمانوند	ایلام ـ کرمانشاه	۹۲	۵۶۷
قاچکانلو	خراسان ـ خراسان	۱۰۳	۵۹۸
قلیانلو	خراسان ـ گلستان	۱۰۹	۶۹۳
قهرمانلو	خراسان ـ گلستان	۴۵۷	۲۶۷۹
کاوانلو	خراسان ـ گلستان	۱۶۷	۹۸۸
کره‌سنی	آذربایجان غربی ـ آذربایجان غربی	۱۱۱۹	۹۵۶۳
کیکانلو	خراسان ـ گلستان	۱۰۹	۶۰۰
ملوانلو	خراسان ـ گلستان	۱۱۴	۷۱۰
میلانلو	خراسان ـ گلستان	۳۴۹	۲۱۵۹
نامانلو	خراسان ـ گلستان	۱۲۲	۷۸۸
ورانلو	خراسان ـ خراسان	۲۸۰	۱۶۹۲

فصل هفتم

جمعیت

برآورد جمعیت کردها دشوار است. اساساً در سرشماری‌های نفوس، کردها از سایر اقوام جدا محاسبه نمی‌شوند. همچنین برخی ملاک‌ها و ضوابطی که کردها را متمایز می‌کند، بسیار ناقص و سطحی است. مثلاً مردمی که به کردی صحبت می‌کنند یا مردمی که اصلاً نمی‌توانند ترکی صحبت کنند، ملاک‌های صحیحی برای تعریف کرد نیست. براساس سرشماری نتایج تفصیلی ترکیه در سال ۱۳۵۳ ش/ ۱۹۷۵ م، جمعیت کردستان ترکیه ۶/۵ میلیون نفر برآورد شده است. همچنین کردهای عراق را نیز در همان سال ۵/۸ میلیون نفر تخمین زده‌اند. جمعیت

کـــردهای ایـران را در ۱۳۵۳ ش/ ۱۹۷۵ م، ۲/۵ مـیلیون نـفر بـرآورد کرده‌اند. سوریه نیز در این سـال، ۶۰۰,۰۰۰ نفر کرد داشته است (بروین سن، ۲۵ ـ ۲۷). دایرةالمعارف بریتانیکا جمعیت کردهای سه کشور ایران، ترکیه و عراق در ۱۳۸۳ ش/ ۲۰۰۴ م را ۱۵ میلیون نفر گـزارش کـرده است. به گزارش نتایج عمومی آمارگیری جاری جمعیت در ۱۳۷۰ ش/ ۱۹۹۱ م، شمار جمعیت استان کردستان که بیشترین گروه‌های کرد را در خود جای داده است، ۱,۲۳۳,۴۸۰ نفر برآورد شده است (نتایج عمومی آمارگیری). باید متذکر شد که جمعیت زیادی از کـردها در اسـتان‌های آذربایجان غربی، خراسان و نقاط دیگـر ایـران زنـدگی مـی‌کنند. لکـن جمعیت آنها به طور جداگانه آمارگیری نشده و با دیگر گروه‌های قومی هر استان محاسبه شده‌است.

فصل هشتم

ساختار فرهنگی و سنت‌های اجتماعی

ادبیات عامه و فولکلور

کردها از ادبیات شفاهی پرمایه‌ای برخوردارند، از این‌رو معمولاً جملات گفتار خود را با بسیاری از ضرب‌المثل‌ها، لغز و نقل‌های ساده و عبارت‌های موزون و قافیه‌دار می‌آرایند. از ابتدای قرن ۲۰ به بعد بسیاری از پژوهشگران خارجی که به ادبیات پرمایهٔ کرد علاقه‌مند بودند، ادبیات شفاهی کردها را به اشکال مختلف ضبط و جمع‌آوری کرده‌اند. ترانه‌های عاشقانه (لاوک) و ترانه‌های شاد (دیلوک) و اشعار محزون عزاداری‌ها (شین) و لالایی‌ها و... از صفات فرهنگی کردها و

جزیی از زندگی روزمرهٔ آنهاست. از این‌رو برخی پژوهشگران کردشناس کردها را به جهت احساسات پرمایه در سرودن اشعار عامیانه و خلق داستان‌هایی با موضوعات مختلف، روحاً شاعر دانسته‌اند (نیکیتین به نقل از آبوویان، ۳۰۱). از داستان‌ها و افسانه‌های کردی می‌توان به خورشید و خاور، زنبیل‌فروش، رستم و زوروا، نادر و توپال، دوازده سوار مریوان و... اشاره کرد که موضوعات عاشقانه، رزمی و حماسی و اخلاقی را در بر دارند. در سال‌های اخیر بسیاری از این افسانه‌ها جمع‌آوری شده است و پژوهشگران فرهنگ عامه به طبقه‌بندی و تشریح آنها پرداخته‌اند (مینورسکی، 81 - 480 /V). شاهنامه‌خوانی نیز در میان کردها رایج است. معمولاً کردهایی که در کمنداندازی و حرکات رزمی مهارت داشتند مجلسی ترتیب می‌دادند و افرادی که صدایی خوبی داشتند، اشعار حماسی شاهنامه را برای شرکت‌کنندگان می‌خواندند، بعضی وقت‌ها نیز در شب‌های زمستان و ماه رمضان در قهوه‌خانه‌ها شاهنامه‌خوانی اجرا می‌شد (تابانی، ۴۳۵).

جشن‌ها و آیین‌ها

از مهمترین جشن‌های مذهبی کردها، جشن میلاد پیامبر (ص) است که به نام «جشن مولود» یا «مولودی» معروف است. در کردستان روز میلاد

پیامبر با شکوه و عظمت خاصی جشن گرفته می‌شود و در مراسم جشن، «مولود نامه‌ها» که در واقع ستایشنامهٔ محمد(ص) است، خوانده می‌شود. از دیگر اعیاد مذهبی مهم که هر سال به طور باشکوه در کردستان برگزار می‌شود می‌توان به عید قربان و عید فطر اشاره کرد (ایازی، ۱۸۸ ـ ۱۹۲).

جشن نوروز نیز که از جشن‌های باستانی ایرانیان و مخصوصاً کردها به شمار می‌رود در کردستان با آداب و مراسم ویژه‌ای برگزار می‌شود. زنان کرد با نزدیک شدن بهار خانه‌تکانی می‌کنند و سمنو «سمنی» می‌پزند. چهارشنبه آخر سال را هم که به «قُـلِه (کُـلِه) چُوار شِمبو» معروف است، جشن می‌گیرند. از دیگر اجزاء مراسم جشن نوروز، «کوسه پیاوی نوروزی» و «میرنوروزی» است که پیش از رسیدن نوروز در اکثر نقاط کردستان اجرا می‌شده است (مینورسکی، V /477؛ تابانی، ۴۴۶ ـ ۴۶۴). جشن خرمن و آیین «نوژه‌بارانه» (باران‌خواهی) از جشن‌های فصلی کردهاست‌که با آیین‌ها و مراسم خاصی اجرا می‌شود.

جشن عروسی

کردها اکثراً با خانوادهٔ فامیل خود ازدواج می‌کنند. عقد پسرعمو و دخترعمو در میان کردها بسیار رایج بوده است. از شرایط معمول

زناشویی، گرفتن شیربها از خانوادهٔ داماد است که در گذشته شامل احشام، باغ و ملک یا پول نقد بوده است. امروزه چنین رسمی تقریباً از میان رفته است.

مراسم عروسی در کردستان حداقل در سه روز جشن گرفته می‌شود. در این مدت کردها مرتب به رقص و پایکوبی می‌پردازند. مراسم «شوگر» (شبگرد)، یک شب قبل از عروسی انجام می‌گیرد، در این شب از میهمانان، پذیرایی مفصلی می‌شود. یکی دیگر از انواع ازدواج‌های مرسوم در کردستان ازدواج «ژن‌به‌ژنه» است. یعنی خانواده‌ای با دادن دختر خود به پسر خانواده‌ای، دختر آن خانواده را برای پسرشان به عقد می‌آورند و مشترکاً یک جشن عروسی برگزار می‌کنند. از این‌رو هزینه‌های جشن عروسی بین دو خانواده تقسیم می‌شود. همچنین گاهی اوقات چنین ازدواج‌هایی خصومت و عداوت دو خانواده را رفع می‌کند (تابانی، ۴۶۴ - ۴۶۷).

مراسم خاکسپاری و سوگواری

پس از شستشوی مرده و پیچیدن او در کفن او را بر تیر و تخته می‌گذارند و تا گورستان تشییع می‌کنند و پس از اقامهٔ نماز میت او را دفن می‌کنند. پس از آن خانوادهٔ متوفی نیز مراسم «پُرسه» (ختم) برگزار

می‌کنند. از یک هفته تا ۱۵ روز مردم و دوستان و فامیل متوفی برای «سر سلامتی» (تسلیت) گفتن به مجلس پُرسه می‌آیند و با گریه و زاری خانوادهٔ عزادار را تسلی می‌دهند. کردها تا سه شب چراغ خانهٔ متوفی را روشن نگاه می‌دارند و برای آرامش روح متوفی به فاتحه‌خوانی و قرآن‌خوانی می‌پردازند (ایازی، ۳۰۶ ـ ۳۲۰).

رقص و موسیقی

موسیقی، رقص و آواز به حدی در زندگی اجتماعی کردها نقش دارد که برخی مانند نیکیتین در کرد و کردستان معتقدند اگر در مطالعاتمان دربارهٔ کردها، رقص و آوازشان را تشریح نکنیم، در واقع جنبه‌های مهم زندگی اجتماعی آنها را بررسی نکرده‌ایم (نیکیتین، ۳۰۱). رقص را در کردی «هَل پَرین» (هَلْ پَرکی) می‌گویند و انواع مختلفی دارد مانند چوبی، رَشْ‌بَلَکْ و... آنها در اعیاد و جشن‌ها دست‌های یکدیگر را می‌گیرند و حلقه‌ای تشکیل می‌دهند و زن و مرد به پایکوبی و شادمانی می‌پردازند. دو سه آوازه‌خوان هم با نوای «دُلْ و زُرنا» (دُهُل و سورنا) به خواندن اشعار مناسبِ جشن می‌پردازند. کردها در نواختن «بلور» (نوعی نی‌لبک)، دوزله، تنبور، عود، رباب، سه‌تار و دوتار مهارت دارند (تابانی، ۴۶۴ ـ ۴۶۵؛ مینورسکی، 78 - V/477).

پوشاک

پوشاک کردها متنوع با رنگ‌های شاد و زنده است و با توجه به موقعیت‌های اجتماعی و تغییرات فصول تغییر می‌کند. ویژگی‌های پوشاک کردها از ملاک‌های تشخص آنها از دیگر اقوام ایرانی است. مردان کرد پیراهنی یقه‌گرد و حجم‌دار به نام کِراس به تن می‌کنند و روی آن کت دگمه‌داری که شبیه اونیفورم‌های نظامی است می‌پوشند. شلوار گشادی که نزدیک دمپا تنگ می‌شود و به «شلوار کردی» (دَمه قُپان) معروف است از مشخص‌ترین اجزاء پوشاک کردهاست (متین، ۶۵). کردها سربندی شبیه عمامه که منگوله‌دارست و به دور کلاهی پیچیده می‌شود بر سر می‌نهند. در گذشته بستن قطاری از فشنگ‌ها و فانوسقه و خنجر بر شال کمر از مفاخر مردان کرد و جزء زیور پوشاک آنها به شمار می‌رفت. برخی مردان کیسهٔ توتون و چُپُق به شال کمر خود می‌آویختند. زنان کرد شلوارهای گشاد با دمپای تنگ که روی آنها پیراهنی پرچین قرار می‌گیرد، می‌پوشند. همچنین نیم‌تنهٔ کوتاهی روی پیراهن به تن می‌کنند. شالی نخی با پهنای زیاد و شُل و لَخت به صورت آزاد دور کمر بسته می‌شود. همچنین روسری بلند پولک‌دوزی شده که سکه‌ها و منجوق‌های رنگی زیادی دارد به دور سر بسته می‌شود (دانشنامهٔ ایرانیکا، ۲۷۳ ـ ۲۸۴؛ نیکیتین، ۲۰۹ ـ ۲۲۰).

مآخذ

- ابن اثیر، علی‌بن محمد، الکامل، قاهره، ۱۳۰۱ ق.
- احمدی، حمید، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- ادموندز، سیسیل جی، کردها، ترکها، عربها، ترجمهٔ ابراهیم یونسی، تهران ۱۳۶۶ ش.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن، تاریخ منتظم ناصری، به کوشش محمد اسماعیل رضوانی، تهران، ۱۳۶۷ ش.
- امین زکی، محمد، کورد و کوردستان، مهاباد، ۱۳۵۰ ش.
- ایازی، برهان، آینهٔ سنندج، بی‌جا، ۱۳۷۵ ش.
- ایگلتون، ویلیان جونیر، جمهوری ۱۹۴۶ کردستان، ترجمهٔ سید محمد صمدی، اکسفورد، ۱۹۶۳ م.

ـ بارتولد، و.، تذکرهٔ جغرافیای تاریخی ایران، ترجمهٔ حمزه سردادور، تهران، ۱۳۵۸ ش.

ـ بدلیسی، امیرشرف‌الدین، شرفنامه، به کوشش محمد عباسی، تهران، ۱۳۴۳ ش.

ـ بروین سن، مارتین وان، جامعه‌شناسی مردم کرد، ترجمهٔ ابراهیم یونسی، تهران، ۱۳۷۸ ش.

ـ بلاذری، احمدبن یحیی، فتوح‌البلدان، لیدن، ۱۸۶۵ م.

ـ تابانی، حبیب‌الله، وحدت قومی کرد و ماد، تهران، ۱۳۸۰ ش.

ـ دانشنامهٔ ایرانیکا، پوشاک در ایران زمین، ترجمهٔ پیمان متین، تهران، ۱۳۸۲ ش.

ـ رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع‌التواریخ، به کوشش محمد روشن، مصطفی موسوی، تهران، ۱۳۷۳ ش.

ـ سرشماری اجتماعی ـ اقتصادی عشایر کوچندهٔ ۱۳۷۷ ش، نتایج تفضیلی، تهران، ۱۳۷۸ ش.

ـ فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، به کوشش برتلس، مسکو، ۱۹۶۰ م.

ـ فن هامر، پورگشتال، تاریخ امپراتوری عثمانی، ترجمهٔ میرزا زکی علی‌آبادی، به کوشش جمشید کیان‌فر، تهران، ۱۳۶۸ ش.

ـ لمبرت، جان، «منشاء پیدایش کردها در ایران پیش از اسلام»، ذخائر انقلاب، شماره ۵، زمستان ۱۳۶۷ ش.

– متین، پیمان، پوشاک ایرانیان، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳.

ـ مردوخ کردستانی، محمد، تاریخ مردوخ، تهران، بی‌تا.

ـ مسعودی، ابوالحسن علی‌بن حسین، التنبیه الاشراف، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، تهران، ۱۳۴۹ ش.

ـ همو، مروج‌الذهب، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، تهران، ۱۳۷۴ ش.

ـ معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، ۱۳۷۸ ش.

ـ نیکیتین، واسیلی، کرد و کردستان، ترجمهٔ محمد قاضی، تهران، ۱۳۶۶ ش.

ـ یاسمی، رشید، کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او، تهران، ۱۳۶۳ ش.

- *Britannica*, London, 2004.

- Minorsky, V., "Kurd, Kurdistan", *Encyclopaedia of Islam*, New Edition, leiden, 1986.

- Morier, James, *Second Journey through Persia ,Armenia and Asia Minor*, London, 1818.

- Strabo, *The Geography of Strabo*, tr. Horace Leonard Jones, London, 1966.

- Xenophon, *The Persian Expedition*, tr. Rex warner, London, 1972.

- Strabo, *The Geography of Strabo*, tr. Horace Leonard Jones, London, 1966.

- Tābānī, Ḥ., *Waḥdat-e Qawmī-ye Kord o Mād*, Tehran, 1380/2001

- Xenophon, *The Persian Expedition*, tr. Rex Warner London, 1972.

- Yāsamī, Rašīd, *Kord o Paywastegī-ye Nežādī o Tārīḵī-ye oū*, Tehran,1363/1984.

- Mas'ūdī, Abul-Ḥasan 'Alī b. Ḥosayn, *Al-tanbīh al-ašrāf*, tr. Abul-qāsem Pāyanda, Tehran, 1349/1970.

- Idem, *Morūj-al-ḏahab*, tr.Abul-qāsem Pāyanda, Tehran, 1374/1995.

- Matin, Peyman, Pūšāk-e Irānīān, Daftar-e Pažūhešhā-ye Farhangī, Tehran, 1383/2004.

- Minorsky, V., "Kurd, Kurdistan", *Encyclopaedia of Islam*, New Edition, Leiden, 1986.

- Mo'īn, Moḥammad, *Farhang-e Fārsī*, Tehran, 1378/1999.

- Morier, James, *Second Journey through Persia, Armenia and Asia Minor*, London, 1818.

- Nikitine, B., *Kord o Kordestān*, tr. Moḥammd Qāżī, Tehran, 1366/1987.

- Rašīd-al-dīn Fażl-allāh Hamedānī, *Jāma' al-Tawārīḵ*, ed. M., Rawšan; M. Mūaswī, Tehran, 1343/1994.

- *Saršomārī-ye Ejtemā'ī-Eqteṣādī-ye 'Ašāyer-e Kūčande-ye 1377š: Natāyej-e Tafżīlī*, Tehran, 1378/1999.

- Bruinsen, M., *Jāma'a Šenāsī-ye Mardom-e Kord*, tr. Ebrāhīm Yūnesī, Tehran, 1378/1999.

- Eagleton, W. J., *Jomhūrī-ye 1946 Kordestān*, tr. Moḥammad Ṣamadī, Oxford, 1963.

- Ebn-e Aṯīr, 'Alī b. Moḥammad, *al-Kāmel*, Cairo, 1301/1883.

- Edmonds, C.J, *Kordhā, Torkhā, 'Arabhā*, tr. Ebrāhīm Yūnesī, Tehran, 1366/1987.

- E'temād-al-Salṭana, M. Ḥ., *Tārīḵ-e Montaẓam-e Nāṣerī*, ed. M. Esmā'īl Reżwānī, Tehran, 1367/1988.

- Ferdawsī, Abul-qāsem, *Šāhnāma*, ed. Bertles, Moscow, 1960.

- *Iranica, Pūšāk dar Irānzamīn*, tr. Peymān Matīn, Tehran, 1382/2003.

- Lambert, John, "Manša'-e Paydāyeš-e Kordhā dar Irān-e Pīš az Eslām", *Ẕaḵa'er-e Enqelāb*, N.5, Winter 1367/1988.

- Mardūḵ-e Kordestānī, M., *Tārīḵ-e Mardūḵ*, Tehran, n.d.

References

- Aḥmadī, Ḥamīd, *Qawmīyyat o Qawmgerā'ī dar Irān*, Tehran,1378/1999.

- Amīn Zakī, M., *Kūrd o Kūrdestān*, Mahābād, 1350/1971.

- Ayyāzī, Borhān, *Ā'īna-ye Sanandaj*, n.p., 1375/1996.

- Badlīsī, A. Šaraf-al-dīn, *Šarafnāma*, ed. M. 'Abbāsī, Tehran, 1343/1964.

- Barthold, W., *Taḏkara-ye Joḡrāfīā-ye Tārīḵī-ye Irān*, tr. Ḥ. Sardādvar, Tehran, 1358/1979.

- Belāẕadrī, Aḥmad b. Yaḥyā, *Fotūḥ-al-Boldān*, Liden, 1865.

- *Britannica*, London, 2004.

of Kurdish clothing (Matīn, 65). They wear a turban-like headband with tassels wrapped around a hat. In the past, wrapping a bandolier of cartridges, fānūsqe and dagger to the waist shawl was considered ornamental. Some men also hung their tobacco bag and pipe to their waist shawl.

Kurd women wear wide trousers tight at the ankle with a frilled dress over it. They also put on a short jacket over the dress and wrap a very large cotton shawl loosely around the waist. They wrap a long sequined scarf with many coins and beads around the head (*Iranica*, 273-84; Nikitine, 209-20).

Dance in Kurdish is halparkī (halparīn) and has different varieties such as čūpī, raš balak, etc... In 'eyds and celebration parties, the Kurd men and women hold each other's hands forming a circle and they dance and rejoice. Two or three singers sing the appropriate songs with the sound of dol o zornā (dohol o sornā). The Kurds are skilled in playing instruments such as bolūr, dozala, tanbūr, 'ūd, rabāb, setār and dotār (Tābānī, 464-65; Minorsky, V/477-78).

Clothing

The Kurds wear various clothes with lively and light colors which change according to the social situations and seasons. The Kurds' clothes have special traits that distinguish them from other Iranian tribes. Kurd men wear a bulky round-collared shirt called kerās with a buttoned coat over it which looks like a military uniform. Trousers that tighten near the ankles are known as "Kurdish pants" (dama-qopān) is one of the most specific parts

Funerals and Mourning Ceremonies

After washing the deceased and wrapping him in a kafan, he is put on a wooden board and taken to the cemetery. They bury the deceased after having performed the prayer of the dead. Then the porse (katm) is done by the family. For a week or two, people, friends and relatives of the deceased's family come to this porse gathering and present their condolences (sarsalāmatī). They try to solace the mourner family by crying. The lights of the house are kept on for three nights and fāteḥa and Quran are recited for the deceased's peace of soul (Ayyāzī, 306-20).

Dance and Music

Music, dance and singing plays such an important role in the Kurds' lives that some like Nikitine in *Kord o Kordestān* believe that if in their researches they haven't deeply studied this aspect of the Kurds' life, they haven't really studies the important dimensions of their social life (Nikitine,301).

Wedding Celebrations

The Kurds usually marry their family relatives. Paternal cousins marry each other very often. It is a usual condition of marriage to claim šīrbahā' from the groom's family. In the past times this included cattle, land or money. Today, this custom has almost disappeared. The wedding in Kordestān is celebrated over at least three days during which people dance and have fun continuously. The Šawgar (Šabgard) ceremony is performed one night before the wedding. One of the popular wedding types in Kordestān is the žen be žene, which means a family would give their daughter to another family's son in exchange for their daughter for their son, which leads to a double wedding, and this way the wedding costs are divided between the two families. Sometimes this kind of marriage settles family quarrels and hostilities between two families (Tābānī, 464-67).

Celebrations and Rites

One of the Kurds' most important religious celebrations is the prophet Moḥammad's birthday which is known as "jašn-e mawlūd" or mawlūdī. In Kordestān this day is grandly celebrated. During the celebration, "mawlūdnāma"s, eulogies for the prophet Mohammad, are recited. Other important religious celebrations are the Qorbān and Feṭr eyds that are grandly celebrated every year in Kordestān (Ayyāzī, 188-92).

Nawrūz is one of Iranians' ancient celebrations, especially for the Kurds and is celebrated in a special way in Kordestān. Women do the house cleaning as spring approaches and they cook samanū (samanī). The last Wednesday of the year,called qole (kole) čovār šembō, is also celebrated. Other parts of Nawrūz rites are kūse pīāvī nawrūzī and mir-e nawrūzī which are celebrated before Nawrūz in most parts of Kordestān (Minorsky, V/477; Tābānī, 446-64). Jašn-e Ḵarman and Nože bārāna are two special seasonal Kurd celebrations.

why some Kurd-specialist scholars have thought the Kurds to be poets in spirit because of their strong emotions in composing popular poems and creating stories with various subjects (Nikitine, quoted by Abuvian, 301). We can name some Kurdish stories and legends that have amorous, marshal, heroic and moral subjects such as: Koršīd o Kāvar, Zanbīlforūš, Rostam o Zōrvā, Nāder o Tōpāl, 12 Savār-e Marīvān, etc.. In recent years, many of these tales have been collected and the popular culture researchers have categorized and commented them (Minorsky, V/480-81). Reciting the *Šāhnāma* (Šāhnāma-K^{v}ānī) is also popular among the Kurds. Usually, the Kurds that have lasso and marshal skills organized meetings in which people who had good voices sang the epic poems of *Šāhnāma* for the participants and sometimes this was done (Šāhnāma-K^{v}ānī) in teahouses during winter and Ramadan nights (Tābānī, 435).

Chapter 8

Cultural Structure and Social Customs

Popular Literature and Folklore

The Kurds possess a sophisticated oral literature. Therefore, they usually embellish their discourse by many proverbs, riddles, simple narrations and rhythmic rhymed expressions. From the beginning of the twentieth century onward, many foreign scholars that were interested in the Kurds' rich literature, collected and recorded their oral literature in different forms . Love songs (lāvak), sorrowful mourning poems (šīn) and lullaby, etc... are part pf the Kurds' cultural traits and their everyday life. This is

and the population of Iraqian Kurds in the same year estimated 5,8 million. In the same year 600,000 Kurds have been counted in Syria (Bruinsen, 25-27).

Encyclopaedia Britannica has reported the Kurd population of the three countries of Iran, Turkey and Iraq to be 15 million in 2004.

According to the latest general census figures in 1370/1991 the Kordestān province holds the greatest number of Kurds which is estimated 1,233,480 persons. We must note that, although a great number of Kurds live in provinces of western Āẕarbāījān, Ḵorāsān and other regions of Iran, their population has been counted along with other nations and not separately.

Chapter 7

Population

It is not an easy task to estimate the Kurds' population. Basically, in the censuses, the Kurd are not counted separately from other races. Also, some of the criteria that differentiate the Kurds is very incomplete and superficial. For example speaking the Kurdish or not speaking the Turkish language cannot be a correct criterion for defining the word Kurd. According to detailed census results of Turkey in 1975 the population of Kordestān of Turkey is estimated 6,5 million. The population of the Iranian Kurds in 1353/1975 has been estimated 2,5 million

clan	province	family	person
Rašvānlū	K̲ - K̲	142	893
Zangana	Ī - Ī	19	142
Sīfkānlū	K̲ - G	214	1286
Šayk̲ Amīrānlū	K̲ - G	2	10
Alī-Bēgī	Ī - Ī	48	394
Ot̲mānvand	Ī - K	92	567
Qāčkānlū	K̲ - K̲	103	598
Qalyānlū	K̲ - G	109	693
Qahramānlū	K̲ - G	457	2679
Kāvānlū	K̲ - G	167	988
Kora-Sonī	Ā - Ā	1119	9563
Kīkānlū	K̲ - G	109	600
Malavānlū	K̲ - G	114	710
Mīlānlū	K̲ - G	349	2159
Nāmānlū	K̲ - G	122	788
Varānlū	K̲ - K̲	280	1692

Chart 9- The most important migratory Kurd clans in Iran provinces

Ī= Īlām, Ā= Āẕarbāījān, K̲= K̲orāsān, K= Kermānšāh, G= Golestān

clan	province	family	person
Eslāmīe Šāhīvand	Ī - Ī	16	134
Īzānlū	K̲ - G	88	526
Bāčānlū-Bāčkānlū	K̲ - G	348	2066
Bādlānlū	K̲ - K̲	54	317
Bālkānlū	Ā - Ā	183	1220
Borvānlū	K̲ - K̲	323	1946
Barīmānlū	K̲ - G	62	404
Bīčrānlū	K̲ - G	259	1858
Pahlavānlu	K̲ - G	122	786
Tūpkānlū	K̲ - G	773	4511
Jāfkānlū	K̲ - K̲	2	18
Dehbokrī	Ā - Ā	82	714
Dīrānlū	K̲ - K̲	87	553

tribe	province	family	person
Zangane	K - Ī.	547	3816
Sanjābī	K - Ī	767	5032
Šakāk	Ā - Ā	816	6230
Šōhān	Ī -Ī	347	2589
Kord-Darešahr	Ī -Ī	2065	16043
Kord-Hamedān	M-Q-H	99	661
Kerend	K - K	387	2516
Kalhor	K- Ī	2706	18099
Gūrān	K - K	977	6709
Māmeš	Ā - Ā	783	6757
Malekšāhī	Ī - Ī	1046	7553
Mangūr	Ā - Ā	29	225
Mīlān	Ā - Ā	2079	14880
Harkī	Ā - Ā	1772	16644

Chart 8- The most important migratory Kurd tribes in Iran provinces (1377/1998)

Ī= Īlām, Ā= Āẕarbāījān, M= Markazī,

K̲= K̲orāsān, K= Kermānšāh,

H= Hamedān, Q= Qom, G= Golestān

tribe	province	family	person
Īvān	Ī - K	788	6046
Bālāvand-e Zardalān	K - Ī	492	3440
Bānzarde	K - K	233	1671
Pīrān	Ā - Ā	95	964
S̱alāṯ-e Bābājānī	K - K	855	6106
Jāf	K - K	1323	7655
Jalālī	Ā - Ā	2685	19314
Jomhūr	K-H-Ī	152	912
Zarzā	Ā - Ā	335	2956
Za'farānlū	Ā - Ā	244	2074

migrated between cold and tropical (sardsīr o garmsīr) areas of Kordestān. The Kurd migrant groups, like other migrant tribes and clans of Iran, gradually became sedentary from the beginning of the twentieth century onwards, and settled in the villages of Kordestān. Today, groups of migrant Kurds go to the countryside (yeylāq o qešlāq) for grazing their cattle. Charts 8 and 9 show a list of the most important migrant Kurd tribes and clans in different provinces of the country in 1377š/1998.

Chart 6- Kurd tribes in Māzandarān and Gīlān

Omārlū
Qebeqrānlū
Šamkānlū
Bahādorlū
Šāh Kūlānlū
Behšānlū
Mardānlū

Chart 7- Kurd tribes in Korāsān

Šādlū (Šādīlū)
Zafrānlū (Za'farānlū)
'Omarlū

Tribes that compose the Kurd society live as rural, migrant, cattle-breeder and urbanized groups in the land of Kordestān. Many of the Kurd tribes have been migratory in the past and

Chart 4- Kurd tribes in western Āẕarbāījān

Jalālī
Mīlān
Ḵazrānlū
Raševand
Soldūz
Lak
Kordāvarī

Chart 5- Kurd tribes in Lorestān (Laks)

Selsele
Delfān
Bājelān
Zand
Māfī
Ṭarḥān Amrā'ī
Dālvand

Mangūr
Pīrān
Ōjāgī Kāḵdarī
Ge vark
Sūsanī
Bāne

Chart 3- Kurd tribes in Kermānšāh

Sanjābī
Gūrān
Yūsof Yāraḥmadī
Kevīk
Yāprāvand
Kīa'ī (Kōlīa'ī)
Ahmadvand

Tāmāztūzā
Kūrākā
Lālā
Mahmūd Jebra'īlī
Bālīvand
Dorrāj
Būrākā
Sākūr
Lūrī Kolāhkar
Gīvgāš
Ḵerrāt

Chart 2- Kurd tribes in Mokrī and Sāvojbolāg (Mahābād)

Mokrī and Būlāq
Mokrī-e Sayyār
Belbās

environment of Kordestān is suitable for the establishment and growth of interrelated groups of Kurd people. Some Kurd expert scholars consider the Kurd tribes to be communities of people united against other people's invasion, who protect their own creed and tribal and racial customs and ways of life. Amin Zaki in *Kord o Kordestān* provides a list of Kurd clans and tribes that live in provinces of Solaymānīye, Karkūk, Dīāle, Mosul, K̲ānaqayn, regions of Dejle and Forāt and the Kurds that live in Turkey (Ottomans), Russia and the northern Shore of the Vān lake and other areas of Iran (Zaki, 384-96). Look at charts 1-7.

Chart 1. Kurd tribes in Sane (Sanandaj)

Kūmālī
Jāf
Mandamī
Golbāk̲ī (Golbāg̲ī)
Šayk̲ Esmā'īlī
Pīrpīše

Afshar, many groups of Kurds were sent to these regions to defend the borders of Iran against Turkmen.

The Iranian Kurds are divided into numerous groups and branches. The most ancient source that has referred to this division is the Badlīsī's *Šarafnāma* which is in fact one of the important sources of Kurdish studies. *Šarafnāma* divides the Kurds into four main branches: Kormānj, Lor, Kalhor and Gūrān. The lands of these groups are regions of the Vān lake, province of Ardalān, eastern and north-western Kermānšāh (Badlīsī,23-24).

Soane divides the Kurds into groups of central Kordestān or Turkey tribes (included Hakārī, Batlīs or Badlīs and Kurd tribes of Armenia), southern Kordestān or Iraq tribes (included Bābān and Hamavand) and Iran Kurd tribes (included Mokrī, Banī Ardalān , Jāf and Kalhor). Each of these groups are subdivided into other branches and tribes that ultimately form the Kurd nation (Nikitine, quoted from Soane, 344-77). The situation and

Chapter 6

Tribal distribution and division

The Kurds are spread among a few countries such as Iran, Turkey, Iraq, Armenia, Syria, Jordan, Lebanon and so on. The Iranian Kurds mainly live in the western regions of the country and in provinces of Kordestān, western Āẕarbāījān, Kermānšāh and also K̲orāsān in the east. The Kurds of K̲orāsān live in the regions near the frontier of Iran and Afghanistan. They have been gradually transplanted to these regions since the Safavids (Badlīsī, 424-26,533). Also, during the reign of Nāder Shah

and one milion people (Minorsky, XI/313). Some Kurds are Jewish, Christian or Āssūrī.

pēr and are mostly attributed miracles and benevolences. The place where šayḵs or pērs learn how to teach the path to other followers is called Tekye or Ḵāneqāh. Some believe the resurgence of mysticism branches in Kordestān to be after the 6^{th} century.

The Qāderīye and the Naqšbandīye paths are related to Šayḵ 'Abd-al-qāder Gīlānī (1078-1166/1667-1704) and Bahā-al-dīn Boḵārā (1317-89/1899-1969) respectively. The followers of the Qāderīye path are called Darvīš and the followers of the Naqšbandīye path are called Sūfī (Edmonds, 76).

In the south and south-eastern Kordestān in regions of Kermānšāh, Ṣaḥne, Kerend and south of Karkūk in Iraq, the Kurds follow the cult called "Ahl-e Ḥaqq". In Iraq, these people are called Kāke'ī. Another religious cult of Kordestān is Yazīdīs. Yazīdīs Kurds are mainly in Iraq and the Jabal Sanjār region, south-east of Mosul and the Šayḵān area (Bruinsen, 39-40). The number of these followers has been reported between 200,000

Chapter 5

Religion

The Kurds. like other Iranians before Islam, were followers of the Zoroastrian creed (Barthold, 216). According to some sources, all the Kurds' conversion to Islam was about the 8^{th}-9^{th}/14^{th}-15^{th} decades (Mardūk, 1/223). After the dawn of Islam, the Kurds finally became Šāfe'ī Sunnite Muslems. Apart from Islam, mysticism branches also have followers in Kordestān. Most of these branches are based on popular principles and have followers such as craftsmen, farmers, peasants and illiterate people. Leaders of these mysticism branches are called šayḵ or

-speaking people are called Kormānj. The second group is the dialect of central Kordestān known as Kordī or Sūrānī. The Kurds of Arbīl, Solaymānīye, Karkūk of Iraq, Mahābād and Sanandaj (Sane) regions speak this dialect. The third group include Lakī and Kermānšāhī dialects, etc. Apart from this categorization, Zāzā and Gūrānī dialects are two important Kurdish dialects that are spoken by the large tribes of north-western Kordestān, the Horāmānīs and regions of western Kermānšāh (Bruinsen, 36-37).

Chapter 4

Language

Kurdish is one of the north-western or south-western group of Iranian languages. Kurdish has numerous dialects that all derive from the same origin but have specific traits that differentiate them from each other, which is why some consider Kurdish to be a collection of Kurdish dialects rather than a single language. The Kurdish dialects are divided into three groups: the northern dialects that are known as Kormānjī and include the dialects of the Kurds of Turkey, Armenia, Āẕarbāījān, Mosul of Iraq, northern Ḵorāsān and Torkamanestān. All the Kormānjī

along with the Americans. In July 2003 the temporary government council of Iraq was created and in this council, leaders of Kurd parties were also present. Finally, after Iraq's national elections in July 2005, Kurd united parties sent a total of 77 representatives to the assembly house of Iraq's new government. In April 2005. Jalāl Tālebānī, the leader of PUK was appointed president of Iraq by the representatives. Mas'ūd Bārezānī, the leader of the KDP became the head of his autonomous government.

For the first time in the Kurds' agitated history, Kurd tribes are uniting. Leadership of a Kurd over a Muslem Arab country and the establishment of the autonomous Kurd zone has realized a part of the Kurds' search for independence since their beginning until today.

attacked and suppressed the Kurds of its own territory. In 1997-98 the disagreement between the United States and Iraq reached its peak. The Iraqi government sabotaged the activities of the United Nation's supervision committee. The US government's by gaining support from the United Kingdom planned to get rid of Saddam Husayn's regime. Therefore, The US government sent a great deal of financial and military support was sent to the Iraqi governments opposition parties after having implemented the Liberation of Iraq Act that was legislated by the American Senate in 1998. Leaders of the two Iraqi Kurd groups, the Patriotic Union of Kurdistan and the Kurdistan Democratic Party were invited to the United States and reached an agreement with the American over the management of northern Iraq by the Kurds (Aḥmadī, 308-17). Finally, in April 2003, Americans forces besieged Baghdad and Saddam Husayn was defeated. After this event, Kurd fighters took control of the northern cities of Iraq, Karkūk and Mosul,

Kurdistan (PUK) re-started their activities in order to create an autonomous government. The Democratic Party of Kurdistan of Iran and Komala placed bases in Iraq and fought against Iran by getting military help from Baghdad. Iran supported the Patriotic Union of Kurdistan and the Kurdistan Democratic Party of Iraq (KDP)caused struggles among the Kurd forces and the entire Kordestān became the fighting ground for Iran, Iraq, and the Kurd parties who were for or against them. In the 1980's and after the end of the Iran-Iraq war, the Iraqi government used chemical gazes to suppress its own Kurd peasants, killing thousands of Kurds. This incident is reckoned to be one of the tragedies of human history. After the Iran-Iraq war and the political events of the Persian Gulf.. the United States interfered in the Middle-Eastern issues. By suggesting the idea of creating a safe and independent zone for the Kurds where no Iraqi airplane would have the right to fly, once again they became victims of American international strategies. In 1997 the Turkish army

Kordestān movement. The Soviet Union not only inspired the idea of self-rule and independence in the Kurds' minds, but also helped them establish their political-tribal institutions and finally in Bahman 1325š/1946 the autonomous Kurd republic was established with the headship of Qāżī Moḥammad which coincided with the formation of the Āẕarbāījān autonomous republic with the headship of pīševarī. The Soviet Union supported these autonomous republics (Aḥmadī, 312-13). The Iranian government succeeded to abdicate this support for the Mahābād republic by signing a treaty with the Soviets that allowed the establishment of a petrol extraction company, very much in the interest of their country. In this way, Soviet forces left Iran and the government of Mahābād collapsed (Eagleton).

From after the fall of the Kurd government of Mahābād until the occurrence of the Islamic revolution, Kordestān enjoyed relative peace. From 1357/1978 parties such as the Democratic Party of Kurdistan of Iran, Komala, and the Patriotic Union of

universal religious identities especially in the Ottoman empire, the European concept of national identity based on the modern educated elite's race and language became very popular (Aḥmadī, 339). The spread of liberal and non-religious nationalism among the middle-eastern groups such as the Arabs, Armenians and Turks pushed the Kurds to consider their linguistic links a political affair and think of the Kurd nation as a distinct one. Therefore, at the beginning of this century, many of the Kurd tribes' headmen such as Šayḵ 'Obaydallāh, 'Abd-al-razzāq Badr Ḵān, Šayḵ Maḥmūd Barzanjī and Esmā'īl Āqā Sīmkū tried to obtain an autonomous Kurd state by correlation with European governments (Russia, Britania) and getting their support. The European governments supported these Kurd eminent headmen, but of course they were more interested in their own interests than the Kurd national issue. The most important support given by the European government to the Kurd nationalistic movements was in the 1325/1946

periods, the Kurds were often under the rule of Ottoman and Iranian governments, but because of separation of Syria, Lebanon, Palestine, Jordan and Iraq and with the disintegration of the monarchy in the Ottoman Empire and the fall of the Qajar dynasty and the rise of Reza Shah's reign, etc, the Kurds came under the dominion of a few small and large governments, in divided lands. In these conditions, many of the Kurds who saw they were losing their rights, started political movements and tried to establish an autonomous government. In 1036/1927, the Kurds formed the Kurds' National Union (k̲oy-būn) with the headship of Eḥsān Nūrī Pāšā. This union formed an army that was constituted of Kurd tribes and fought against the Turks in 1309/1930 and was finally defeated by the Turk's well-equipped army (Minorsky, V/464).

At the beginning of the twentieth century, the Kurds, like other Middle Eastern groups were under the influence of "territorial nationalism" that is to say, with the weakening of

Chapter 3

The Modern Period

At the beginning of the twentieth century, the question of defining the frontiers between Turkey, Iraq and Iran was brought up. In 1304/1925, Mosul was relegated to Iraq and in the Sevr and Lausanne conference, Kurd officials were appointed to positions of governorship and judicature chairmanship.The Kurdish language also became the official language of the Kurd-resident workplaces.

When the Pahlavi government started, the Kurds' situation became more tangled and more complicated. In the previous

During the Safavids, for three centuries, Kordestāṇ became the invasion ground of the Ottoman sultans and the Safavid kings. For this reason, Kordestān and the Kurds' role became a very important political one in the region (Minorsky, ibid).

The Kurds helped Nāder Shah Afshar fight the Ottomans. Some of the Kurds who disobeyed Nāder Shah, such as the Čamošgazak Kurds (later called Zaʿfarānlū), were transplanted in Ḵorāsān (Minorsky, V/461).

Zand has been considered one of the main Kurd tribes. Karīm Khan Zand, the founder of the Zands dynasty, founded the Zands government with the support of some Kurd tribes. During Karīm Khan, some Kurd tribes migrated to Šīrāz (Badlīsī, 423-24; Minorsky, ibid, Amīn Zakī, 393).

Under the treaty of 1263/1847 known as Arzrūm, during the Qajar period, Zahāb of Kordestān was divided into an Iranian and an Ottoman part, and Solaymānīye was relegated to the Turks (Eʿtemād-al-salṭana, 3/1672-3). From this treaty onward,

numerous uprisings took place in Kordestān regions that were suppressed by the Iranian and Ottoman governmental forces (Ibid).

surrounding regions had become the fighting ground for the Mughals and $\underline{K}^{v}$ārazmšāhīāns. That is why many Kurds lost their lives in this period. The Arbīl, Šahr-e zūr and Dīārbakr regions were ravaged during the invasion years of the Mughals and $\underline{K}^{v}$ārazmšāhīāns (Ebn-e Aṯīr, 7/207, 308). During the Ilkhanid period, the situation in Kordestān became tangled and unsettled. The Kurds did not follow the Ilkhanids in any way, therefore, a great number of them were killed during the reign of Holāgū in 657/1258 in the Hakārī area (Rāšīd-al-dīn, 2/1026).

After the dissolution of the Ilkhanids, Kordestān and 'Ajam Iraq were placed under the Mughal and Jalāyer Bāyazīd's dominion. After the Mughals' reign, for a time, the Kurds went to the aid of the Qarā-qoūnlūs and were ruled by them after that. During the rule of Āq-qoūnlūs, a great number of the kurds were killed or transplanted in different places because of their connection with the Qarā-qoūnlūs (Badlīsī, 129-31; Minorsky, 5/457).

When the Ḡoz people attacked Iran, the Kurds came to aid the Iranian governments to defend their territories. In 429/1037 the Ḡoz people attempted to attack Āẕarbāījān, therefore the Kurds with the help of Vahsūdān the governor of Āẕarbāījān fought against the Ḡoz and chased them out (Ebn-e Aṯīr, 9/270-72).

During the Saljuqids, all the Kurd-resident areas came under the Saljuqid rule. All the pre-independence Kurd emirates were destroyed. Also, during the reign of Soltān Sanjar Saljūqī, the Kordestān province was officially recognized with the capital city of Bahār(Ebn-e Aṯīr, 10/374, 377, 426; Minorsky, V/454).

Ṣalāḥ-al-dīn Ayyūbī the founder of Ayyūbīān dynasty was originally from the Ravādī clan (Haẕbānī's Kurds) and captured Kordestān through Ḵīlāt in 585/1189. In this period, the Kurd officials became implicated in the government affairs (Badlīsī, 83; Ebn-e Aṯīr, 12/40).

During the ruling of the Ḵᵛārazmšāhīān, Kordestān and its

first few years after Islamic achievements, Kurds expressed their wish for establishing an independent government by several rebels, which were often resultless. In 147/764, for instance, in the reign of Khalifa Manṣūr 'Abbāsī, Kurds fomented Mosul mutiny. In 225/839 in the reign of al-Mo'taṣem, Fahrjīs-e Kurd with the support of Kurd warriors established a rebel against the Khalifa and defeated his army. His rebel was finally stunned by a Turk warlord (Idem, 6/360-61).

Kurds also took part in 262/875's Ṣāḥeb al-Zanj insurgence. They assisted Ya'qūb Layṯ Ṣaffārī in his deploying troops to Baghdad (Ebn-e Aṯīr,7/264). Headed by Ḥasanwaye b. Ḥosayn, they also uprose in Dīnewar, Hamedān and Nahāvand regions. Having extended their territory to Ahvāz and with the help of Āl-e Būye, they established a government in Sermāj-e Bīstūn named "Kordān-e Ḥasanwaye". The government diminished after Badr b. Ḥasanwaye, the last ruler of Ḥasanwaye was killed in 405/1014 (Ebn-e Aṯīr, 6/234).

Chapter 2

Islamic Period

Historical Islamic sources have often used Kurd as a plural noun (al-akrād). The Arabs stepped into Kurds' territory in 16/637, by dominating over Takrīt and Ḥalvān. Sa'd b. abī-vaqqāṣ was among the first warlords who ceded Kurd-inhibited regions in order to finally occupy Mosul. For this reason, there had been bloody conflicts between Kurds of Fārs of Susa, Ahvāz, and Šahr-e zūr, and the Arabs (Mas'ūdī, *Morūj-al-ḏahab*, 3/249; Ebn-e Aṯīr, 2/408, 4/387, 341; Balāḏarī, 176, 282, 389). In the

mentioned, make the issue complex. Therefore, we would rather end the chapter with the view of Rašīd Yāsamī who often rejects the views of others, and holds his own ideas about the origin of Kurds: In ancient times, in a region where the current Ebn-e ʻOmar Island is located, Yāsamī believes, there existed a land named Qerdū. It was occupied after the Medes and Pārs tribes immigrated there and dominated its locals. The migrating tribes intermingled with the locals and the land was called Qerdū (Kordū or Kord) afterwards (Yāsamī, 94-95).

fought against the Romans (VIII/ 231). Some believe that Kordū'en is Kordestān, the original land of Kurds and Kortīah tribe. a branch of Medes, is the origin of the Kurd race.

Some others, considering linguistic studies, believe the word kordū be the same as kort-o-lī, a Georgian word referring to a place, and say the Kurds to be of Georgian origin (Lambert,99).

Another view on the origin of Kurds, held by researchers such as Soane, Von Luchan and Allen, consider the origin of Kurds to be from German Viking race, with a mainland origin of Baltic Lake region (Nikitine, 70-71; Tābānī, 58-59). The reason of their reaching such conclusion is the appearance and body style of some Kurd people who have light-colored hair with blue eyes, which make them look like Europeans. Some Kurd reasearchers like Tābānī have tried to prove this theory wrong by referring to a number of historical and linguistic facts as testimonies (Tābānī, 58-64).

There are also other different views in this regard which, if

Al-tanbīh, 85; Idem, *Morūj-al-ḏahab*, 1/482-3). Almost all the sources dealing with the study of kurds' ancient history consider the Zāgros Mountains as the first origin of the Kurds, and discribe the history of ancient ruling powers which dominated the Zāgros territory and its inhabitants such as Sumer, Aked (Agad), Assyria, Babel (Babylonia), Kassite, the Elamite and Medes, dating back to centuries before Christ.

As an example, the 2000 B.C. Sumerian inscription points to tribes called Kar-da-ka or Qar-da-ka who inhibited in the south of the Vān Lake in a region called Badlīs (Betlīs). Researchers believe this region to be the first origin of the Kurds (Minorsky, V/447).

In 401/1010, Xenophon has talked about people called Kordūḵī who lived in the northmost of the Bohtān river bank, where the current Kordestān of Iran is situated (pp. 186, 177-8). Some say Kurds are a branch of Medes; Strabo has written about a region called Kordū'en hosting Kortīān (Koršīāh) tribes who

young men who ran away to maintains and desert from the fear of getting killed by "Żahhāk"were named kurds (deserter). These mountain-dwellers are believed to be the kurds' ancestors (Ferdawsī, 1/53).According to this, up until a few centuries ago in different regions of Iran, people celebrated the day Iranians were freed from Żahhāk's suppression. For example James Morier refers to a celebration called "Kordī 'Eyd" that was held commemorating Pārs tribe's freedom from Żahhāk's tyranny about two hundred years ago in Damāvand (Morier, 357; Minorsky, V/449). The historical sources of the Islamic period also consider kurds of Iranian origin. Mas'ūdī in *Al-tanbīh wal-Ešrāf* believes kurds to be the descendents of an Iranian called Kurd b. Esfandīār b.Manūčehr (p. 84). Also *Šarafnāma* has introduced Rostam, the hero, coming from the Kurd tribe (Badlīsī, 28; Yāsamī, 117).

Some believe kurds to be Arabs and justify their claim by referring to stories based on colloquial Feqh al-loğa (Mas'ūdī,

Chapter 1

Definitions, ancestors and origin

The word "kurd" has been defined as desert-dweller, shepard, tent-dweller, and primitive (*Borhān-e Qāṭe'*, 3/2938; Mo'īn, 3/1615).

There are views mixed with tale and legend, or views coming from archaeological, linguistic and sociological date about the Kurds' ancestors. In this brief, we have mentioned some of the most important of these views. Some believe the word kurd to be a derivative of Farsi "Gord", meaning brave and pahlavān (Nikitine, 65). According to *Šāhnāma* stories, the four hundred



their historical-political issues. Language and religion, as cultural topics, are regarded as political instruments in the hands of the Kurd society's elite and representatives.

Anyhow, knowing the Kurds' history and culture is a way to access the treasures of Iranian ancient culture and history. In this book we have tried to briefly introduce the Kurds' historical, cultural and social traits as well as their political issues.

traits are factors that have caused their eccentric and nationalistic tendencies. The strategic location of Kordestān and numerous struggles and massacres of the Kurds during history by internal and external forces; their spirit of disobedience towards the central government and their efforts for achieving local power; religious discrimination from the part of Shiite governors from the rise of the Safavids towards the Sunnite Kurds; have been factors that increase the Kurds' nationalistic tendencies. Therefore, the history of the Kurd people is a tragic one, since in order to achieve their strong nationalistic aims and creating an independent identity of their own, they have always had to be in bloody struggles with each other or their ruling governments. Also, sometimes they have had to turn to foreign powers and enemies in order to obtain their independent identity and situation, which has weakened them and made them lose their tribal unity.

The Kurds' social history and culture is intermingled with

Introduction

Kurds as a major Iranian tribe are spread in regions of 500-555 square meters in surface, among countries such as Iran, Iraq, Turkey, Syria, Armenia and so on.

Iran's Kordestān province with a surface of 24,998 square meters is considered one of the large kurd-resident regions. The Iranian Kurds, apart from the Kordestān province. also live in provinces of western Āẕarbāījān, Kermānšāh, Ḵorāsān and some of the country's other provinces.

Although there are many similarities between the Kurd groups and other Iranian tribes, their linguistic and religious

Contents

Transliteration of Persian and Arabic words

adaptation from: Encyclopaedia Iranica

vowel			consonant			consonant		
Arabic	Persian		Arabic	Persian		Arabic	Persian	
	ā	آ	ḍ	ż	ض		ʾ	ء
	ē	ی		ṭ	ط		b	ب
	ū	و		ẓ	ظ		p	پ
							t	ت
	ī	ي		ʿ	ع	ṯ	s̱,ṯ	ث
	a	ـَ		ḡ	غ		j	ج
	o	ـُ		f	ف		č	چ
	e	ـِ		q	ق		ḥ	ح
a	a,e	ـه		k	ک		ḵ	خ
aw	aw,ow	ـَو		g	گ		ḵ^{v}	خوا
ay	ay,ey	ـَی		l	ل		d	د
				m	م	ḏ	ẕ,ḏ	ذ
				n	ن		r	ر
			w	v	و		z	ز
				h	ه		ž	ژ
				y	ی		s	س
							š	ش
							ṣ	ص

Our Persia

The Kurds

Iranian Peoples/1



Jibi Books Ltd.

Tehran, 2006



ISBN 964 - 303 - 053 - 9

First Published in 2006 by Jibi Books Ltd.

A Division of the Amir-Kabir Publishing Corp.,

Tehran, Iran

P.O.Box 11365-4191

Tehran - IRAN

www.amir-kabir.com

Cultural Researches Centre
of the
Amir-Kabir Publishing Corp.

Our Persia

General Editors

P. MATIN
M. EBRAHIMI

